اخبار

شش ماه اول سال ۱۴۰۴

۳۸ هزار عروس و داماد از بانک صادرات ایران وام ازدواج گرفتند

بانک صادرات ایران در شش ماه ابتدای سال ۱۴۰۴ شرایط ازدواج بیش از ۳۸ هزار عروس و داماد را تسهیل کرد.

به گزارش روابط‌عمومی بانک صادرات ایران، این بانک در شش ماه ابتدای سال ۱۴۰۴ با پرداخت بیش از ۱۲۹ هزار میلیارد ریال وام قرض‌الحسنه ازدواج و تهیه جهیزیه، ۳۸ هزار و ۶۳۰ عروس و داماد را به خانه بخت فرستاد.

پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج و تهیه جهیزیه به عنوان مهمترین وام حمایتی و مسئولیت‌های اجتماعی نظام بانکی، در بانک صادرات ایران مورد توجه است و به طور پیوسته به متقاضیان پرداخت می‌شود.

عملکرد بانک بانک صادرات ایران در حوزه پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه و حمایتی نشان می‌دهد که طی شش ماهه نخست سال جاری، ۸۷ هزار فقره وام قرض‌الحسنه به ارزش حدود ۱۸۳ هزار میلیارد ریال و بیش از ۱۳ هزار فقره تسهیلات حمایتی از محل منابع عادی به ارزش نزدیک به ۵۷ هزار میلیارد ریال پرداخت شده و طی این مدت در مجموع بیش از ۱۰۰ هزار فقره وام قرض‌الحسنه و تسهیلات حمایتی به ارزش ۲۴۰ هزار میلیارد ریال پرداخت کرده است.

مدیرعامل بانک سپه فرارسیدن هفته نیروی انتظامی را تبریک گفت

دکتر آیت اله ابراهیمی مدیرعامل بانک سپه، با صدور پیامی فرارسیدن هفته نیروی انتظامی را به تمامی فرماندهان و کارکنان این مجموعه تبریک گفت. دکتر آیت اله ابراهیمی مدیرعامل بانک سپه، با صدور پیامی فرارسیدن هفته نیروی انتظامی را به تمامی فرماندهان و کارکنان این مجموعه تبریک گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بانک سپه، در متن این پیام آمده است:

بسم الله الرحمن الرحیم

فرارسیدن «هفته نیروی انتظامی» فرصت ارزشمندی برای پاسداشت مجاهدت‌ها، جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های بی‌وقفه آحاد فرماندهان و کارکنان شریف و خدوم فراجا است که ستون مستحکم امنیت و حافظان نظم و قانون جامعه به شمار می‌روند و در همراهی و هم‌افزایی با سایر نیروهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشور، مجاهدانه، صادقانه و هوشمندانه زمینه برقراری حاکمیت نظم و هنجارهای اجتماعی را در کشور عزیزمان فراهم نموده‌اند.

فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، همواره در خط مقدم حفظ و حراست از امنیت و آرامش جامعه ایستاده و با هوشیاری، شجاعت و اخلاق، حفاظت از جان، مال و عزت مردم شریف کشورمان را به عنوان رسالتی خطیر بر عهده دارد. بی‌تردید رشد، اعتلا، پیشروندگی و شکوفایی همه‌جانبه میهن عزیزمان تنها در سایه‌سار امنیت پایدار میسر و ممکن می‌شود؛ سرمایه گران‌بهایی که مرهون خون شهدای پرافتخار و حاصل مجاهدت‌های خالصانه مدافعان امنیت کشور، به ویژه پلیس قهرمان و غیور کشور است. خاضعانه ضمن ادای احترام به مقام شامخ شهیدان، ایثارگران و جانبازان ارجمند فراجا، فرا رسیدن این مناسبت فرخنده را صمیمانه به تمامی کارکنان گرانقدر فراجا تبریک و تهنیت عرض نموده و با قدردانی صمیمانه از تلاش‌های ارزنده و خدمات ماندگار و افتخارآمیز آنان، موفقیت، سربلندی و سرافرازی روزافزون پلیس مردمی و مقتدر را در ظل توجهات حضرت ولیعصر(عج) و تحت هدایت‌های حکیمانه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) از پیشگاه ایزد منان مسالت دارم.

دور تازه نبرد «باب همایون» و «میرداماد» آغاز شد

دوئل تازه میان فرزین و مدنی‌زاده

گروه سیاسی - دور تازه درگیری میان سیاستگذار پولی و مالی در حالی به نظر می رسد از سر گرفته شده که بررسی اختلافات میان این دو نهاد پس از دهه‌ی شصت نشان می دهد همواره مساله تعیین نرخ ارز در کانون اختلاف این دو قرار داشته و دارد.

موقعیت دو طرف موجب شده که از چند دهه پیش میان این دو نهاد مهم اختلافات اساسی وجود داشته باشد. نکته مهم آن است که هر سیاست‌اقتصادی در کشور بدون هماهنگی و انسجام این دو بخش (پولی و مالی) و نهاد بودجه‌ای امکان موفقیت‌نخواهد داشت

در میانه هفته وزیر اقتصاد در یکی از جلسات گفتگوی دولت و بخش خصوصی گفت: در خصوص هیأت عالی بانک مرکزی باید گفت که تشکیل این هیأت، قانون مصوب مجلس است و به جز وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه، سایر اعضا منتخب رئیس کل بانک مرکزی هستند. وزیر اقتصاد پاسخگوی هیچ یک از سیاست‌های ارزی که در بانک مرکزی اتخاذ می‌شود، نیست چون فقط یک رای در هیأت عالی بانک مرکزی دارد و سیاست‌های پولی و ارزی کشور انحصارا در اختیار بانک مرکزی است.

به گزارش خبرآنلاین، به این ترتیب علی مدنی‌زاده سه ماه پس از حضور در ساختمان باب همایون، دوره تازه‌ای از نبرد میان بانک مرکزی و وزارت امور اقتصاد و دارایی را آغاز کرد. نبردی که عمر آن به دهه‌ها پیش باز می‌گردد و البته در تمام طول دولت چهاردهم نیز ادامه داشته است. ومحمدرضا فرزین در مقام رئیس کل بانک مرکزی سال گذشته تا حدی تلاش کرد تا از اجرای سیاست‌های تعدیل نرخ ارز جلوگیری کند، سیاست‌هایی که عبدالناصر همتی به آن باوری کامل داشت. در نهایت و با وجود همه اختلافات فرزین به این سیاست تن داد اما این اقدام هم نتوانست رابطه دو نهاد را بهبود بخشد تا اینکه همتی توسط مجلس از وزارت اقتصاد کنار رفت.

سیاستگذار مالی در مقابل سیاستگذار پولی

وزارت امور اقتصادی و دارایی یکی از ۱۹ وزارتخانه فعال در ساختار اجرایی ایران است. در ماده یک قانون تصویب این وزارتخانه آمده «به منظور تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور و ایجاد هماهنگی در امور مالی و اجرای برنامه سیاست‌های مالی و تنظیم و اجرای برنامه همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای خارجی وزارت امور اقتصادی و امور دارایی تشکیل می‌شود. »

به این ترتیب وظیفه اصلی این وزارتخانه مدیریت مالی کشور است. در سال‌های اخیر با گسترش بازار سرمایه، نقش این وزارتخانه در مدیریت سازمان بورس هم بیش از گذشته به چشم عموم آمده است.

در طرف مقابل بانک مرکزی وظیفه سیاستگذاری پولی را بر عهده دارد. دو وظیفه اصلی آن هراست از ارزش پول ملی و کنترل نرخ تورم است. البته بانک مرکزی در ایران به شدت تابع سیاستگذار است و از آنجایی که به طور مستقیم از سوی رئیس جمهوری منصوب می‌شود، در نهایت اگر نتواند رضایت رئیس جمهور را به دست آورد به راحتی عزل خواهد شد.

نتیجه‌گیری می‌توان کرد که بانک مرکزی وظیفه سیاستگذاری پولی را بر عهده دارد و وزارت اقتصاد هم سیاستگذاری مالی را. شاید همین موقعیت دو طرف موجب شده که از چند دهه پیش میان این دو نهاد مهم اختلافات اساسی وجود داشته باشد. نکته مهم آن است که هر سیاست اقتصادی در کشور بدون هماهنگی و انسجام این دو بخش (پولی و مالی) و نهاد بودجه‌ای امکان موفقیت نخواهد داشت.

چهار دهه تنش بر سر نرخ ارز

یک بررسی اجمالی به اختلافات میان این دو نهاد نشان می‌دهد که مسأله نرخ ارز و چند نرخی بودن آن، از عوامل اصلی اختلاف دو نهاد بوده است. خبرگزاری فارس چندی پیش، در گزارشی به ابعاد مختلف اختلاف بانک مرکزی و وزارت اقتصاد در سال‌های پس از آتش بس با عراق پرداخته که به وضوح نقش پررنگ موضوع ارز را نشان می‌دهد.

درست از همان ماه‌های اول پس از جنگ که «تعدیل ساختاری» به اولویت سیاستگذاری اقتصادی در کشور تبدیل شد، موضوع تک نرخی کردن ارز و سپردن تعیین نرخ دلار و دیگر ارزهای معتبر به بازار، به موضوعی مطرح تبدیل شد. مدیران بانک مرکزی در همان زمان هم به نظر می‌رسد با رویکرد حاکم بر سازمان برنامه و وزارت اقتصاد موافق نبودند ولی با حمایت اکبر هاشمی رفسنجانی این سیاست‌ها به اجرا گذاشت و خیلی زود شکست خورد.

اختلاف میان این دو نهاد در دولت اول خاتمی به شکلی دیگر اتفاق افتاد. در آن زمان محسن نوربخش به میرداماد رفته بود و رئیس کل بانک مرکزی شده بود اما در وزارت اقتصاد سکان به دست حسین نمازی افتاده بود. در این دوره بانک مرکزی در پی تعدیل ساختاری و اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود اما وزارت اقتصاد از این اقدامات دوری می‌کرد و با آن مخالف بود. بخشی از این اختلافات را حسین نمازی در گفتگویی که با مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۰ داشت، بیان کرد.

در دولت دوم خاتمی با کنار رفتن نمازی ارز تک نرخی شد و در سال ۸۲ ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی شد. او در همان زمان هم با تردید به تک نرخی شدن ارز می‌نگریست و هشدار می‌داد این موفقیت مشروط تا زمانی ادامه خواهد یافت که نوسانی در درآمدهای ارزی رخ دهد و البته چنین هم شد و از ابتدای دهه ۹۰ تحریم‌ها با کاهش درآمدهای ارزی دولت را مجبور به چند نرخی کردن ارز کرد.

در دولت روحانی نیز اختلاف میان میرداماد و باب همایون کار را به جایی رساند که طیب نیا دیگر در دوم حاضر به ماندن در وزارت اقتصاد نباشد. در دوره دوم روحانی اما بیشتر اسحاق جهانگیری به عنوان فرمانده اقتصادی معرفی شد و اختلافاتی هم اگر از سال ۹۷ تا ۱۴۰۰ میان این دو نهاد وجود می‌داشت خبرش به رسانه‌ها درز نکرد.

دولت سه ساله رئیسی در حالی کار خود را آغاز کرد که علی صالح آبادی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی و احسان خاندوزی در مقام وزیر اقتصاد به دولت اضافه شدند. پیش از آن که یک سال دولت رئیسی کامل شود، در بهار ۱۴۰۱ با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در عمل یک تعدیل بزرگ رخ داد و چنان شکست بزرگی نصیب آن دولت کرد که خیلی زود صالح آبادی مجبور شد جای خود را به محمدرضا فرزین بدهد. فرزین مانند دیگر مدیران دولت سیزدهم از دانشگاه امام صادق نیامده بود، او عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و گفته می‌شود به این دلیل انتخاب شد که به نابسامانی‌های پس از حذف ۴۲۰۰ تومانی سر و سامان دهد. او نیز با تعیین ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تلاش کرد که از تلاطم بیشتر جلوگیری کند.

در پی سانحه هلیکوپتر برای ابراهیم رئیسی، دولت سیزدهم پیش از موعد به کارش خاتمه داد و با پیروزی پزشکیان در عمل، اصلاح طلبان و منتقدان دولت رئیسی سکان اجرایی کشور را به دست گرفتند. با این وجود محمدرضا فرزین در ساختمان میرداماد باقی ماند و عبدالناصر همتی که خود در ۱۴۰۰ کاندیدای اصلاح طلبان بود و البته زمانی نیز رئیس کل بانک مرکزی بود، روانه باب همایون شد.

همتی از همان آغاز به کار دولت از قصد خود برای افزایش نرخ ارز و به اصطلاح حرکت به سمت تک نرخی کردن، خبر داده بود و با آغاز دولت تلاش‌های خود را دو چندان کرد و فرزین نیز گرچه خود را مخالف تعدیل نشان می‌داد، هنگامی که همراهی بدنه دولت را پشت همتی دید، به این اقدام تن داد. در نتیجه هر دلار آمریکا در نیمه دوم سال گذشته از ۵۹ هزار تومان به ۹۰ هزار تومان رسید. اختلاف میان وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تا آخرین روزهای کار همتی ادامه داشت. پیش از آنکه همتی توسط مجلس استیضاح شود، برخی شایعات از احتمال برکناری فرزین خبر می‌دادند اما پزشکیان با حضور در بانک مرکزی صراحتاً خواهان تثبیت نرخ ارز شد.

از زمانی که مدنی‌زاده به عنوان وزیر اقتصاد معرفی شد، به نظر می‌رسید باید دور تازه‌ای از تنش‌های میان این دو نهاد مؤثر باشیم و اکنون به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است. نکته مهم آن است که گرچه محمدرضا فرزین یک تکنو کرات اقتصادی است و به معنای مصطلح فعال سیاسی یا منتسب به یک جناح خاص نیست، مانند مدنی‌زاده، اما برخوردهای سیاستمدارانه او را نباید نادیده گرفت.

فرزین در حوزه مکاتب اقتصادی هم پراگماتیستی عمل می‌کند. در شرایطی که در دانشگاه علامه که به عنوان مأمن نهادگرایان شناخته می‌شود، تدریس می‌کند و بارها از مخالفت خود با تعدیل ارزی پرده برداشته، اما هر بار که دولت بر تعدیل ارزی تأکید کرده در نهایت وی نیز به این اقدام تن داده است. کمااینکه در سال گذشته هم چنین کرد و به تعدیل نرخ ارز و افزایش ارز ترجیحی تن داد. فرزین در گذشته و در دولت محمود احمدی نژاد هم جزء مدیران اقتصادی کشور بود اما در دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می‌کند که مخالفان مطرح احمدی نژاد مانند فرشاد مؤمنی در آنجا صاحب هژمونی هستند. او در حالی با دولت رئیسی همکاری کرد که پس از روی کار آمدن پزشکیان نیز، موفق شد صندلی خود را حفظ کند. فرزین در جدال مقابل خاندوزی هم مغلوب نشد و در مقابل همتی که زمانی کاندیدای ریاست جمهوری هم بود توانست از جایگاهش هراست کند. ضمن اینکه با توجه به شرایط کشور و تجارب گذشته می‌توان گفت اجرای سیاست تعدیل نرخ ارز از آنجایی که به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود در نهایت به زیان مدافعان آن می‌شود. چنانکه همتی آخرین قربانی این سیاست بوده و هنوز یک سال از استیضاح او نگذشته است.

شاید برای مدنی‌زاده که به تازگی از دانشگاه شریف به باب همایون رفته این نبرد بیش از اندازه پیچیده و دشوار باشد ولی او پاتک اول را زد.

بورس از شوک‌های سیاسی عبور کرد

بازار سرمایه در مسیر بازگشت

همایون دارابی، کارشناس بازار سرمایه با اشاره به رشد اخیر شاخص کل بورس گفت: بازار سهام پس از پشت سر گذاشتن افت‌های سنگین و شوک‌های سیاسی، اکنون وارد مسیر اصلاح و بازگشت شده و نشانه‌های بهبود در آن دیده می‌شود.

همایون دارابی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با اقتصادآنلاین با اشاره به رشد اخیر شاخص کل بورس گفت: بازار سهام پس از دوره‌ای از رکود و افت، اکنون در مسیر اصلاح و بازگشت به مدار رشد قرار گرفته است.

وی اظهار کرد: «از ابتدای ماه جاری تاکنون شاخص کل حدود ۱۰ درصد افزایش یافته و بازار برای بیش از پنج روز متوالی مثبت بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که فضای کلی بورس از جو منفی فاصله گرفته و شرایط به سمت بهبود حرکت می‌کند.»

وی افزود: «هرچند همچنان چالش‌های بنیادی مانند قیمت‌گذاری دستوری، نرخ ارز نیمایی و ناترازی‌های بانکی پابرجاست، اما بازار از شوک احساسی ناشی از تحولات بین‌المللی، به‌ویژه جنگ اخیر رژیم صهیونیستی، عبور کرده و در حال جبران افت‌های گذشته خود است.»

این کارشناس بیان کرد: «در بازار طلا و ارز نیز نشانه‌هایی از اصلاح قیمتی مشاهده می‌شود و به نظر می‌رسد تمام بازارها در حال بازگشت به تعادل هستند. در نتیجه می‌توان گفت بورس در حال اصلاح واکنش‌های هیجانی گذشته خود است.»

وی درباره روند ورود و خروج سرمایه در بازار سرمایه تصریح کرد: «در روزهای اخیر شاهد افزایش ورود نقدینگی حقیقی به بورس بودیم. سرمایه‌ها از صندوق‌های درآمد ثابت و همچنین از بازار طلا که پیش‌تر رشد قابل توجهی داشتند، خارج شده و بخشی از آن به سمت بازار سهام هدایت شده است.»

وی افزود: «هرچند جریان ورود پول هنوز بسیار قوی نیست، اما نسبت به دو ماه گذشته بهبود قابل توجهی داشته و این می‌تواند نشانه‌ای از افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران باشد.»

این تحلیل‌گر بازار سرمایه درباره عوامل رشد بورس اظهار کرد: «اصلاح افت‌های گذشته و جبران آن مهم‌ترین عامل رشد بازار در شرایط فعلی است. همچنین اعلام بانک مرکزی مبنی بر راه‌اندازی بازار دوم ارز و گسترش مبادلات ارزی می‌تواند شرایط سودآوری شرکت‌ها را بهبود دهد.»

وی افزود: «اجرای موفق این سیاست‌ها می‌تواند تأثیر مثبت و قابل‌توجهی بر روند بازار داشته باشد و زمینه را برای رشد بیشتر فراهم کند.»

این کارشناس در ادامه در خصوص چشم‌انداز بازار سرمایه تا پایان سال بیان کرد: «پیش‌بینی بلندمدت در شرایط فعلی دشوار است، زیرا منطقه خاورمیانه همچنان پرتنش و ناپایدار است و موضوعاتی مانند تحریم‌ها و تحولات سیاسی می‌تواند بر بازار اثرگذار باشد.»

وی در پایان افزود: «در صورت برقراری ثبات سیاسی و اجرای اصلاحات اقتصادی، می‌توان به بهبود شرایط بازار سرمایه در ماه‌های آینده امیدوار بود.»

خبر

با حضور محمد شریعتمداری صورت گرفت

انعقاد ۲ قرارداد با دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف

مراسم انعقاد قرارداد همکاری صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر خلیج‌فارس با دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف و همچنین تأمین مالی ۷ پروژه فناورانه با حضور مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس برگزار شد.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، چهارمین جلسه کمیته راهبری نوآوری و فناوری گروه صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس در حالی با حضور محمد شریعتمداری، مدیرعامل این شرکت و سورنا ستاری، مشاور عالی مدیرعامل در حوزه فناوری برگزار شد که در حاشیه این جلسه شرکت صندوق سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر خلیج‌فارس اقدام به انعقاد قراردادهایی با جامعه دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان کرد.

محمد شریعتمداری با اشاره به نقش حمایتی صندوق خطرپذیر خلیج‌فارس از طرح‌های فناورانه گفت: این صندوق با جدیت مسیر حمایت از شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان مبتنی بر گلوگاه‌های مهم صنعت پتروشیمی را ادامه خواهد داد تا نقشی مؤثر در تحقق اهداف راهبردی صنعت پتروشیمی و نیز هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس در زمینه توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های جدید ایفا کند.

براین‌اساس قرارداد سرمایه‌گذاری در احداث، تجهیز و بهره‌برداری از آزمایشگاه هوش مصنوعی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی با دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی شریف به‌صورت جداگانه باهدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود این دانشگاه در چارچوب قانون جهش تولید دانش‌بنیان میان دانشگاه تهران و صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر خلیج‌فارس به امضا رسید.

در ادامه صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی سرمایه‌گذاری خطرپذیر صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس از ۷ تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور رونمایی کرد.

شرکت صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر خلیج‌فارس که ابتدای سال با سرمایه هزار میلیاردتومانی و باهدف حمایت از طرح‌های نوآورانه و فناورانه راه‌اندازی شد، با شناسایی ۷ طرح فناورانه، روی این طرح‌های اقدام به سرمایه‌گذاری کرد.

تحقق ۷ سرمایه‌گذاری در ۷ ماه، بیانگر عزم جدی این صندوق برای توسعه نوآوری در صنعت پتروشیمی کشور و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های قانونی، به‌ویژه ماده ۱۱ قانون جهش تولید دانش‌بنیان است.

در این مدت، بیش از ۹۰ طرح از طریق پلتفرم نوآوری باز ثبت و پس از طی مراحل ارزیابی دقیق توسط شورا و کمیته سرمایه‌گذاری صندوق، و نیز ارزش‌گذاری توسط کارگزاران موردتأیید معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری، موردبررسی قرار گرفتند.

در نهایت، ۷ طرح منتخب بر اساس نیازهای احصاء شده از سوی شرکت‌های تابعه گروه صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس و اعلام آمادگی شرکت‌های متقاضی در فراخوان‌های برگزارشده، برای سرمایه‌گذاری نهایی انتخاب شدند.

این ۷ طرح در حوزه‌های بومی‌سازی تجهیزات، اقتصاد چرخشی و بازیافت، مدیریت و بهینه‌سازی فرایندها، فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، هوشمندسازی در حوزه‌های سلامت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE) در اجرای پروژه‌هایی مانند احداث خط تولید انواع مقاطع PTFE، تصفیه آب با پساب صفر (ZDL)، داخلی‌سازی سیستم کنترل DCS، راه‌اندازی خط تولید آنالایزرهای گازی لیزری TDLAS و توسعه آنالایزرهای NDIR و تولید و تأمین ماشین‌های دوار با تأکید بر توربین‌های گازی متمرکز است.

نگاهی به بانکداری در عصر انقلاب پنجم

مدیرعامل بانک اقتصادنوین طی یادداشتی با موضوع بانکداری در عصر انقلاب پنجم، به مسائل پیش روی نظام بانکی در دوران هوش مصنوعی و پس از آن پرداخته است.

به گزارش روابط عمومی بانک اقتصادنوین، متن این یادداشت با عنوان «صنعت ۵٫۰ و فناوری های آینده» که در روزنامه شرق یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴ منتشر شده، به این شرح است.

وقتی صحبت از انقلاب صنعتی می‌شود، بیشتر ذهن‌ها به یاد کارخانه‌ها و ربات‌ها می‌افتد، اما باید بدانیم که امروز در موسم «انقلاب پنجم» قرار داریم؛ انقلابی که تنها یک تحول فناورانه نیست، بلکه بازتعریفی از رابطه انسان و تکنولوژی به شمار می‌رود.

اگر انقلاب چهارم با اینترنت اشیا، داده‌های عظیم و هوش مصنوعی توانست جهان را دیجیتالی کند، انقلاب پنجم فراتر می‌رود و انسان را دوباره در مرکز این تغییرات قرار می‌دهد. در این عصر، فناوری به جای آن که رقیب انسان باشد، به یار و همراه او بدل می‌شود. هوش مصنوعی دیگر فقط ابزار پردازش اطلاعات نیست، بلکه به مشاوری برای تصمیم‌گیری‌ها، شریکی برای نوآوری و حتی به معلمی برای یادگیری تبدیل می شود.

تأثیر این انقلاب فقط در کارخانه‌ها و بنگاه‌ها نیست؛ بلکه آثار آن در زندگی روزمره انسان ملموس است؛ از مراقبت‌های پزشکی و آموزشی آنلاین گرفته تا خرید و ارتباطات اجتماعی.

به بیان ساده، انقلاب پنجم می‌خواهد جهانی بسازد که در آن فناوری نه جایگزین، بلکه تقویت کننده توانایی‌های انسانی باشد و مسیر توسعه را به سوی آینده‌ای هوشمندانه هدایت کند.

پیش از وقوع این انقلاب، تمرکز صنایع و بنگاه‌ها روی دیجیتالی سازی و هوشمندسازی بود: ربات‌ها، اینترنت اشیا، هوش مصنوعی و داده‌های کلان؛ اما انقلاب پنجم بسیار فراتر می‌رود. این بار حرف از انسان محوری، پایداری محیط زیستی و تاب‌آوری در برابر تهدیدهاست؛ یعنی سیستمی که نه فقط کارآمد باشد، بلکه منصفانه، اخلاقی و همسو با محیط زیست عمل کند.

امروز هوش مصنوعی تنها در صنایع پیشرفته حضور ندارد، بلکه در زندگی روزمره ما نیز جریان دارد؛ از موتورهای جست وجو و رسانه‌های اجتماعی گرفته تا سامانه های پزشکی، آموزشی و حتی سرگرمی. در چارچوب انقلاب پنجم،

هوش مصنوعی دیگر فقط ابزار پردازش داده نیست، بلکه شریک فکری انسان در تحلیل، تصمیم‌سازی و خلق نوآوری خواهد بود.

نکته قابل بحث در این یادداشت، تأثیر این انقلاب بر صنعت بانکداری است. بانکداری یکی از حوزه‌هایی است که به سرعت تحت تأثیر این تحول قرار می‌گیرد و با اتکا به هوش مصنوعی، به شریک مالی قابل اعتمادی برای مشتریان تبدیل می‌شود.

آن گاه دیگر بانک‌ها تنها یک نهاد پولی یا مالی نیستند که فقط پول نگه دارند و وام بدهند، بلکه در عمل از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی روندها، کشف خطاها و مشاوره‌های شخصی به مشتریان استفاده می‌کنند. بلاکچین را برای شفافیت بیشتر، کاهش هزینه تراکنش‌ها و قراردادهای هوشمند به کار می‌گیرند. فناوری‌های تازه مثل واقعیت افزوده، رایانش لبه‌ای و محاسبات کوانتومی برای ایجاد شعبه‌های مجازی و ارائه خدمات سریع‌تر و امن‌تر عملیاتی می‌شود و اکوسیستم‌هایی که بانک‌ها را به مرکز تعامل مالی و اجتماعی بدل کند، به وجود می‌آیند. در این وضعیت، همکاری با فین تک‌ها و کیف پول‌های دیجیتال به امری عادی تبدیل می‌شود.

البته حرکت در این مسیر چندان آسان نیست. بانک‌ها با چالش‌های بزرگی مواجه می‌شوند؛ ازجمله امنیت سایبری و حریم خصوصی که با گسترش تراکنش‌های دیجیتال، خطر حملات پیچیده‌تر می‌شود. از آنجا که فناوری‌ها خیلی سریع‌تر از مقررات رشد می‌کنند، مشکل انطباق با قوانین نیز ممکن است به وجود آید. از طرفی، سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های نو، نیازمند منابع مالی است.

همچنین آموزش مداوم کارکنان برای استفاده از فناوری‌های جدید چالش مهم دیگری است. در کنار این چالش‌ها، موضوعی کلیدی به نام اعتماد عمومی نیز مطرح است؛ اگر مشتریان احساس کنند داده‌های‌شان امن نیست یا بانک‌ها از فناوری به شیوه‌ای ناعادلانه استفاده می‌کنند، اعتماد از بین خواهد رفت و این سرمایه نمادین برای همیشه خدشه‌دار می‌شود.

برای غلبه بر این مشکلات و به منظور همراهی اجتناب ناپذیر بانک‌ها با روند انقلاب پنجم، بانک‌ها باید بین نوآوری، امنیت، قوانین و توانمندسازی کارکنان یک تعادل منسجم ایجاد کنند. در این زمینه، آموزش مهارت‌های دیجیتال و تفکر انتقادی به سرمایه انسانی ضروری است.

همچنین سیاست‌گذاران باید چارچوب‌های قانونی تازه‌ای طراحی کنند که هم از نوآوری حمایت کند و هم جلوی سوءاستفاده‌ها را بگیرد. در کنار آن،

توجه به اصول اخلاقی و شفافیت در استفاده از فناوری‌های نوین، نقشی تعیین‌کننده در حفظ اعتماد مشتریان خواهد داشت.

جان کلام آن که بانکداری در عصر انقلاب پنجم، دیگر فقط یک صنعت مالی نخواهد بود، بلکه بخشی از یک اکوسیستم اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر است. در این شرایط، بانکی موفق خواهد بود که هم زمان نوآور، شفاف، پایدار و انسان محور باشد. آینده بانک‌ها نه در رقابت با ماشین‌ها، بلکه در همکاری هوشمندانه با آنها رقم خواهد خورد.